



۲۰۱۶/۰۱/۳۰



تیمور شاه تیموری

خطاب به ملاهائی که فهم و دانش صحیح دینی ندارند

ای مولوی و ملای نادان ای احمق بیشعور دوران
بنهاده بدست یکدگر دست ویرانه کنید آنچه بوده است
دنیائی ز فتنه کرده بر پا با مکر و فنی وقیح و رسوا
طماع و حریص و نفس پرور با گرگ گرسنه ای برابر
در کنج عطالتی لمیده در بستر ناز آرمیده
دستی به نیاز بر کشیده دستی به دهان فرو نموده
در عمر سخاوتی نکرده دستی زکرم به کس نبرده
یعنی که همیشه در گرفتن اندوختن و طلب نمودن
گوید که بود به دین پا بند از گفتن نام دین خرسند

دین داری او فریب و چال است

با ریش و قبا چو خر دجال است

دنیای سیاه و چشم کورش تاریکی همیشه در حضورش
در نزد عوام ساده پندار از الفت دهر بوده بیزار
راهی به سوی خدا گرفته حالی زدم و دعا گرفته
اندرز دهد به خلق هر بار در بند هوس خودش گرفتار
وقتی برسد به لقمه ای چرب خود را بزند درون هر درب
فتوا بدهد هر آنچه جویند ایجاب کند هر آنچه گویند

ریشش به زرخ نه زیب دارد هر تاری از آن فریب دارد
عمامه به گرد سر چو طومار پیچیده چو مار در بن خار
چشمان ز شرارت و شقاوت دیوانه ای مبتلای شهوت
گرگ هوشش چو سر بر آرد اطفال صغیر را رباید
پروا نکند زک ار منکر ترسش نبود ز روز محشر
زین دیو پلید آدمی رو یادی نبرند ز کار نیکو

** **

** **

**

